

نظریه های برنامه ریزی فضایی

* برنامه ؟

- برنامه عبارت است از هر روشی که برای نیل به یک هدف مورد استفاده قرار می گیرد و در برگیرنده کلیه اعمالی است که برای دستیابی به هدف مورد نظر بکار گرفته می شود.

- برنامه عبارت است از هر فرایند دارای سلسله مراتب در یک ارگانیسم که بتواند نظم و ترادف اجرایی را کنترل کند.

- برنامه عبارت است از گاهنامه تصمیمات منظم بر اساس سلسله مراتب عملیاتی.

انواع برنامه

– معمولی (Formal)

– تخصصی (Informal)

- یک برنامه خوب باید منظری واقعی از انتظارات ارائه نماید

- بسته به نوع فعالیت برنامه ممکن است کوتاه مدت، میان مدت و یا بلند مدت باشد.

* برنامه ریزی

برنامه ریزی یک سیستم کلی ذهنی است. با ایجاد یک سیستم ذهنی مستقل اما منطبق بر سیستم دنیای واقعی، ابتدا پدیده تحول را شناخته، سپس آنرا پیش بینی کرده و بالاخره آنرا ارزیابی می کنیم. هدف بهینه کردن سیستم دنیای واقعی از طریق بهینه کردن سیستم ذهنی می باشد. تلاشی آگاهانه برای سازماندهی اقداماتی که نتایج مورد انتظاری در آینده ببار آورد.

...

- فرایند ایجاد یک برنامه بر اساسی:

- چه کسی آنرا طراحی می کند؟ (تفاوت در اولویتها و ابزار)
- چه کسی آنرا به کار می برد؟
- منابع و ابزار قابل دسترس کدامند؟

- دونگته اساسی در برنامه ریزی:

- آمادگی برای وقایع احتمالی
- آینده ای که در پی اجرای برنامه در انتظار ماست.

اهمیت برنامه ریزی:

- ایفای نقشی حیاتی در اجتناب از هر گونه اشتباه و شناسایی فرصتهای ناشناخته
- کمک به پیش بینی آینده

مؤلفه ها

سیستم کلی ذهنی - پویش هدایت عقلایی منطبق بر سیستم دنیای واقعی
تصمیم گیری در امور توسعه
ابعاد زمانی
فعالیت های منظم، اهداف و هماهنگی
شناخت، پیش بینی و ارزیابی

برنامه ریزی

هدف: بهینه کردن سیستم دنیای واقعی از طریق بهینه نمودن سیستم ذهنی، بهره برداری منطقی و هماهنگ از امکانات و منابع

توصیف سیستم و تعیین مسائل آن

تدوین و تحلیل راه حل ها

ارزیابی راه حل ها و انتخاب

اجراء و کنترل

فرآیند برنامه ریزی:

* فضای جغرافیایی؟

اکومن: جایی که شرایط طبیعی به تشکیلات زندگی اجتماعی انسان امکان می دهد.

ژان تریکار: قلمرو فضای جغرافیایی پوسته زمین با بیوسفر (فضای قابل سکونت انسانها)

ماکسیمیلین سور: اکومن زمین مورد سکونت انسانها با همه ضمائ آن است و فضایی است برای گسترش نوع انسانی

ژان گوتمن: فضای قابل دسترس انسانها

فضای جغرافیایی، فضایی تغییر پذیر، متنوع که ظاهر قابل درک و رؤیت آن همان چشم انداز است. این فضا بر اثر تابش های ناشی از عمل انسان برشهایی می پذیرد. فضای جغرافیایی پایگاه سیستمهای روابط است، بعضی از سیستمها منشا طبیعی و بعضی منشا انسانی دارد.

۱- ماهیت فضایی

در این مفهوم چشم انداز دارای بعد فیزیکی بوده و قابل لمس است. چشم اندازها در این مفهوم دارای سه بخش بیوتیک(زنده)، آبیوتیک(غیر زنده) و تکنوسفر(مصنوعی) هستند(شکل ۱). جایگاه انسان در این مجموعه می تواند نگرشهای متفاوتی را در ارتباط با مسائل ژئوسایت بدنبال داشته باشد. اگر انسان خود را در داخل چشم انداز آمایشی و بخشی از آن و مرتبط با سایر بخشها حس کند در تصمیمات خود به طوری عمل خواهد کرد که آسیبی به سایر بخشهای چشم انداز وارد نیاید ولی در غیر این صورت، رفتار انسان با چشم انداز بی رحمانه خواهد بود.

۲- ماهیت ذهنی

زمانی که انسانها با واقعیت فیزیکی چشم اندازها مواجه می شوند، واکنش خودشان را از طریق عکس العمل، احساسات و خیالات نشان می دهند. بر اساس این مفهوم، چشم انداز آن چیزی نیست که ما در جلوی چشمانمان می بینیم بلکه آن چیزی است که در ذهنمان می گذرد. دید ما به یک چشم انداز محصول فرهنگ و وجوه فرهنگی چشم انداز است(Naveh, 1998). بنابراین ممکن است افراد مختلف برداشت های متفاوتی از یک چشم انداز واحد داشته باشند.

۳- بعد زمانی

هر دو بعد فضایی و ذهنی هر چشم انداز تحت تأثیر بعد سوم یعنی بعد زمانی هستند. چشم اندازها محیطهایی ایستا نیستند بلکه ماهیتی پویا دارند. چشم انداز تغییر می کند و توسعه آن ذاتا مستلزم گذشت زمان است. محققین چشم انداز در مطالعات خود توجه خاصی به فضا دارند در حالی که از کنار زمان به راحتی می گذرند. دینامیک زمانی چشم اندازها دربرگیرنده کلیه ابعاد چشم انداز بوده و تغییرات در کلیه مقیاسها را در بر می گیرد. این تغییرات بعضا به دلیل کند بودنشان، همیشه برای انسان قابل درک نیستند و به همین خاطر انسانها از وجود این تغییرات آگاهی ندارند.

۴- رابطه فرهنگ و محیط

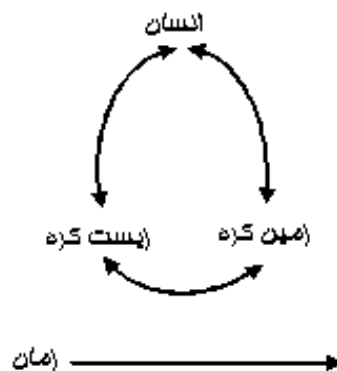
انسان از زمان خلقت همواره چشم اندازها را تحت تأثیر و تغییر داده است و چشم اندازهای فعلی محصول این فرایندهای تاریخی هستند. این واقعیت را باید پذیرفت که نه تنها انسان بر چشم انداز تأثیر می گذارد بلکه چشم انداز نیز بر انسان تأثیر دارد. بنابر این، چشم انداز را می توان نقطه تلاقی طبیعت و فرهنگ دانست که در آن بخشهای مادی و ذهنی چشم انداز با هم در می آمیزند و تحلیل چشم انداز از دیدگاه صرف مسائل طبیعی بدون لحاظ مسائل فرهنگی و یا برعکس غیر ممکن است و همین مسئله تحلیل چشم انداز به عنوان یک کل را دشوار می سازد.

برآیند بررسی ابعاد پنجگانه مفهوم چشم انداز، طرح چشم انداز به عنوان یک سیستم است. نگرش سیستمی روشی علمی است که امکان درک و فهم حقایق پیچیده را فراهم می آورد. چشم انداز سیستمی پیچیده را شامل می شود که متشکل از زیر سیستمهای سنگ کره، زیست کره و انسان و برآیند آنها در طول زمان است. با قبول چشم انداز به عنوان یک سیستم، توجه به روابط میان این زیرسیستمها و نگرشی کلی نگر به آن ضرورت می یابد. در این مفهوم، چشم انداز دارای ارزشهایی مشخص و درجه بالایی از پیچیدگی خواهد بود بدین معنی که تغییر در بخشی از چشم انداز، تغییر در سایر قسمتها را به دنبال خواهد داشت.

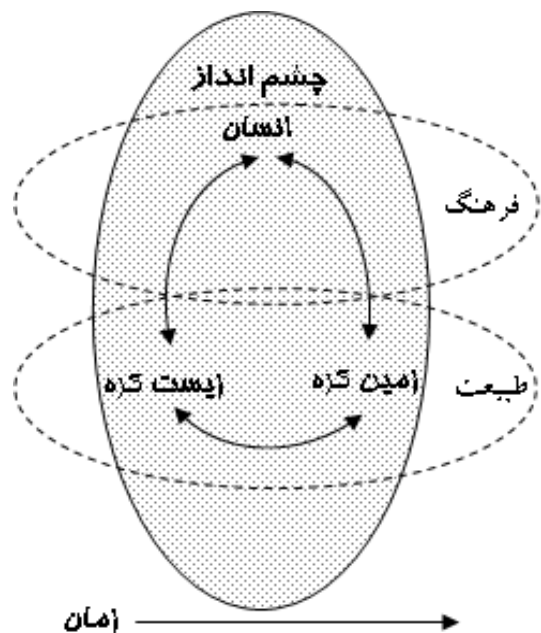
ابعاد پنجگانه ذکر شده در بالا هر کدام سهم خاصی در مسائل چشم اندازها به عنوان یک چشم انداز دارند. کلیه اطلاعات بدست آمده از شاخه های مختلف علمی در این مفهوم می گنجند و همین عامل باعث ایجاد زمینه مطالعات گسترده در پژوهشهای مرتبط با چشم انداز شده است.

با قبول چشم اندازها به عنوان چشم انداز، آنها به عنوان سیستمی پیچیده و پویا مطرح می شوند که از زیر سیستمهای زمین کره، زیست کره و انسان تشکیل شده است. بنابر این، در این چشم انداز با آمیزه ای از مسائل طبیعی و فرهنگی سرو کار خواهیم داشت. در این مفهوم، انسان با تمام فعالیتها و تفکرات خود بخشی از چشم انداز است و شاید بتوان چشم انداز را نیز بخشی از انسان تلقی نمود.

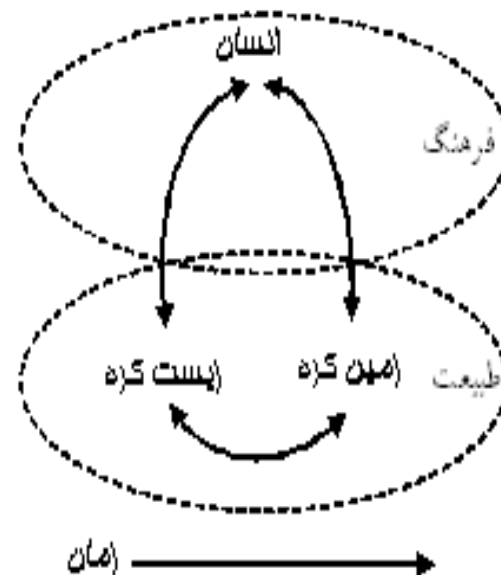
مدل واکنش متقابل چشم انداز-انسان



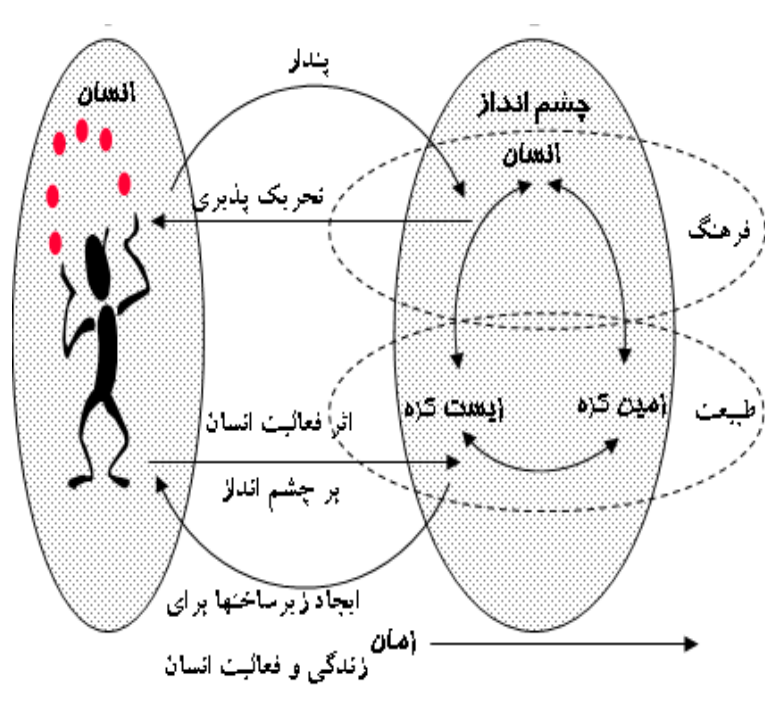
شکل ۲: روابط متقابل پویای زمین کره، زیست کره و انسان



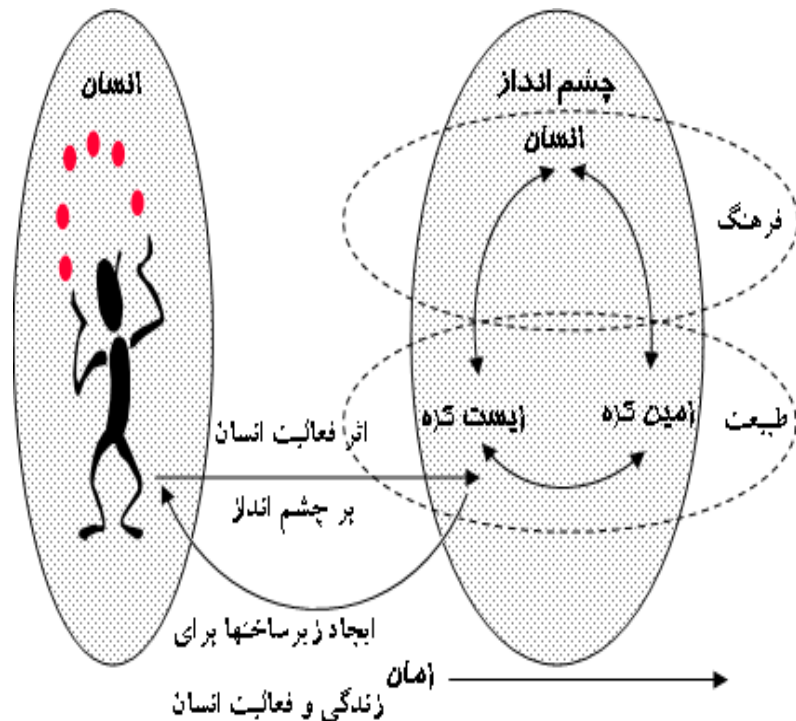
شکل ۴: ابعاد پنجگانه چشم انداز



شکل ۳: طبیعت و فرهنگ به عنوان دو وجود مکمل در چشم انداز



شکل ۶: مدل واکنش متقابل انسان-چشم انداز



شکل ۵: واکنشهای متقابل چشم انداز و اجزای آن با انسان

*** مهمترین بخش مسائل ژئوسایتها بخشی است که در آن انسان مستقل از چشم انداز آثار رفتار و عملکرد خود را در زندگی خود احساس می کند و بخشی از مشکلات ایجاد شده و یا احتمالی در محیط زندگی خود را نتیجه وضعیتی می داند که خود در ایجاد آن نقش مهمی ایفا نموده است (مرحله پنجم مدل (شکل ۳-۵)). در چنین موقعیتی است که انسان برای حل مسائل پیش آمده به دنبال چاره است و در این زمینه از قوه تخیل و تعقل خود کمک می گیرد و با ارائه راه حلهایی حلقه نهایی مدل فرارشته ای چشم انداز را تکمیل می کند.**

خلاقیت در برنامه ریزی

- چگونه می توانیم خلاقیت را به حداکثر برسانیم تا از عملکرد سازمانی بهره مند شویم؟
- عوامل مؤثر در پرورش خلاقیت کدامند؟
- چگونه ممکن است کارکنان را در این صلاحیت های خلاقیت آموزش دهیم؟
- زمینه سازمانی چگونه بر نحوه تجربه خلاقان از زمینه خلاق تأثیر می گذارد؟
- از چه طریق خلاقیت سازمانها را به دو صورت ناخواسته یا ناخواسته تغییر می دهد؟
- قدرت چه نقشی در روند خلاقیت بازی می کند؟
- چگونه می توان موانع خلاقیت ناشی از مسائل قدرت و سلطه را برطرف کرد؟
- چه عواقبی در خلاقیت می توان در عواملی مانند نژاد ، جنسیت ، گرایش جنسی و غیره یافت؟

* جایگاه مکاتب فلسفی در برنامه ریزی منطقه ای

۱- دیدگاه ساختارگرایی

structuralism is a general theory of culture and methodology that implies that elements of human culture must be understood by way of their relationship to a broader system.

این کار برای کشف ساختارهایی است که زمینه ساز همه کارهایی است که بشر انجام می دهد ، فکر می کند ، درک می کند و احساس می کند. درک بینش ساختارگرا پیچیده نیست. اگر به خانه خود نگاه کنیم متوجه اجزایی می شویم که در کنار یکدیگر قرار گرفته اند و این اجزا با در کنار هم قرار گرفتن، کلیتی معنا دار به نام خانه را ساخته اند. ترتیب قرار گرفتن اتاق ها و نحوه چیدمان میز ناهار خوری و مبل و صندلی ها و رنگ پرده ها می تواند در یک خانه صورت های متفاوتی ایجاد کند ولی همواره آن چیزی که ثابت است خود ساخت خانه است که معنا و مفهوم خود را حفظ می کند. اگر به یک وبلاگ نگاه کنید عناصری چون صفحه اصلی، نوشته ها، بخش نظرات و عکس نویسندگان را مشاهده می کنید که در کنار هم ساختاری به نام وبلاگ را شکل داده اند این عناصر، در وبلاگ های دیگر ممکن است حذف شوند، زیاد شوند، رنگ دیگری پیدا کنند و چیدمان متفاوتی بگیرند اما باز با همه این پویایی ها، شالوده و اساس ساختاری وبلاگ باقی می ماند. در این صورت بینشی که ما نسبت به خانه خود و یا محیط یک وبلاگ داریم بینشی ساختارگراست.

* جایگاه مکاتب فلسفی در برنامه ریزی منطقه ای

۲- دیدگاه کارکردگرایی

کارکردگرایان به طور کلی جامعه را نظامی دارای نظم و ترتیب می‌دانند. این دیدگاه مبتنی بر تمثیل ارگانیک بین جامعه و ارگانیسم زنده است. از این منظر جامعه یک سیستم متشکل از اعضا و اجزای بی‌شماری است که هر یک باید کارکردهایی خاص را برای بقای کلی سیستم و دیگر اجزا و اعضای آن انجام دهد و نظم اجتماعی پدیده‌ای است که کارکردهای اعضای مختلف این سیستم را به صورتی مرتب و در سلسله مراتبی خاص به هم پیوند می‌دهد.

کارکردگرایان بر این باورند که اجزای سازنده یک جامعه، نهادهایی چون نظام اقتصادی، نظام سیاسی، نظام خانواده، مذهب و سازمان‌های آموزشی و پرورشی‌اند که بدون کارکردهای ضروری و منظم آن‌ها، جامعه‌ای وجود نخواهد داشت و نتیجهٔ فقدان یا اختلال این اجزاء، به خطر افتادن حیات و بقای کل سیستم اجتماعی است. همهٔ این نهادها (اجزای سیستم) دارای ارتباط متقابل‌اند و هر یک از آن‌ها جهت ایفای نقش مشخص خود باید اندازه، قابلیت و ساختمان مناسب داشته و به گونه‌ای عمل کند که با اجزای دیگر سازگار باشد. ناسازگاری اجزای سیستم اجتماعی، موجب تجزیهٔ آن و تضاد بین اجزا، باعث نابودی آن خواهد شد. ضامن اصلی سازگاری اجزای سیستم، سازواری (هم‌آهنگی و وفاق) در ارزش‌های مشترک است.

به طور کلی دیدگاه عمومی کارکردگرایی بر این استوار است که جامعه مانند یک ارگان زیستی بزرگ است که اعضا و جوارح مختلف آن هر کدام وظیفه و کار معینی انجام می‌دهد که در رابطه با کار و وظیفهٔ سایر اعضا و اجزا به انجام کل بدن کمک می‌کند و وظایف هر کدام به نوبهٔ خود ضروری و اجتناب‌ناپذیر است چرا که به کلیت نظام و حفظ آن کمک می‌کند.

* جایگاه مکاتب فلسفی در برنامه ریزی منطقه ای

۳- دیدگاه رادیکالیسم

رادیکالیسم به همراه لیبرالیسم شیوه هایی برای گذر از سنت گرایی به مدرنیسم اصطلاح رادیکالیسم نیز در مواردی أخذ می شود که افرادی در جامعه از وضع اجتماعی و سیاسی موجود ناراضی باشند و لذا برای کسب رضایتمندی خویش، خواهان بر هم زدن اوضاع موجود بوده و درصدد تأسیس موسسات و انجام اعمال و ارائه نظریه های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی شایسته تری برآیند.

در نتیجه می توان گفت هرگونه عمل و نظر سیاسی و اجتماعی که در راستای تغییرات فوری و قاطع در نهادهای اجتماعی انجام بگیرد، نوعی رادیکالیسم است.

* جایگاه مکاتب فلسفی در برنامه ریزی منطقه ای

۴- دیدگاه سوسیالیسم

سوسیالیسم: فلسفه اقتصادی و سیاسی که برابری اجتماعی ، تصمیم گیری جمعی ، توزیع درآمد بر اساس سهم و مالکیت عمومی سرمایه های تولیدی و منابع طبیعی را پشتیبانی می کند. یک سیستم اقتصادی را پیش بینی می کند که هم مالکیت خصوصی را در ابزار تولید و هم در بازار از بین می برد. اولین نسخه از این مدل برنامه ریزی مرکزی است. این را می توان در یک مدل سلسله مراتبی از بالا به پایین درک کرد.

ایرادات

- ۱- برای یک مقام مرکزی بسیار دشوار است که اطلاعات مربوطه را از تولیدکنندگان و مصرف کنندگان جمع آوری کند.
- ۲- حتی اگر بتواند اطلاعات کافی را جمع آوری کند ، محاسبه یک برنامه بهینه نیاز به محاسبات بسیار پیچیده ای دارد که ممکن است فراتر از توانایی برنامه ریزان باشد (حتی با دسترسی به پیچیده ترین کمک های فنی).
- ۳- ممکن است کسری های انگیزشی قابل توجهی وجود داشته باشد.

در پاسخ به چنین بی قدرت سازی گسترده ، مدل دوم برای برنامه ریزی سوسیالیستی توصیه کرده است که برنامه ریزی به روشی متفاوت و دموکراتیک تر انجام شود.

* جایگاه مکاتب فلسفی در برنامه ریزی منطقه ای

۵- دیدگاه پراگماتیسم

عمل گرایی یک سنت فلسفی است که کلمات و اندیشه را ابزار و ابزاری برای پیش بینی ، حل مسئله و عمل می داند و این ایده را که عملکرد اندیشه توصیف ، بازنمایی یا آینه سازی واقعیت است ، رد می کند. پراگماتیست ها ادعا می کنند که بیشتر مباحث فلسفی - مانند ماهیت دانش ، زبان ، مفاهیم ، معنا ، اعتقاد و علم - همه از نظر کاربردهای عملی و موفقیت آنها بهتر دیده می شوند.

پراگماتیسم مکتب اصالت عمل است. مکتبی که عملی بودن هر چیزی را ضروری می داند. در این مکتب غرض از حیات، همانا عمل است. بنیانگذار آن ویلیام جیمز آمریکایی است او می گوید حقیقت عبارت است از آنچه که بهتر و بیشتر امیال و آمال ما و از جمله سالیق ما را ارضاء کند. در مکتب پراگماتیسم، علم نیز قدر و اعتبار عملی دارد و هدف علم ماهیت و کنه اشیاء نیست بلکه هدف اصلی علم نیز باید فایده عملی آن باشد. جغرافیدانان مکتب پراگماتیسم در جستجوی یک دنیای واقعی تالش می کنند. جغرافی دانان ابتدا وضع موجود را بررسی می کنند و در جغرافیای کاربردی علاوه بر وضع موجود، به آینده نگری نیز می پردازند.

جغرافیای پراگماتیسمی در جستجوی اصلاح محیط زیست بشر از طریق به کارگیری فنون و شیوه های جغرافیایی است. بنابراین ارزش جغرافیا هنگامی مشخص می شود که دارای جنبه عملی باشد.

* جایگاه مکاتب فلسفی در برنامه ریزی منطقه ای

۶- دیدگاه تعاونی

در این نوع برنامه ریزی، همکاری و ارتباط از نظر مشارکت گروههای مختلف جامعه نه تنها از نظر دموکراتیک برای دستیابی به یک اجماع معتبر هوشمند است بلکه در بسیاری از فرایندهای برنامه ریزی یک وظیفه قانونی است. به عنوان نمونه می توان به مشارکت نمایندگان معلولین در تهیه برنامه های حمل و نقل عمومی یا برنامه های راه آهن اشاره کرد. با این وجود ، این اجرای قانونی لزوماً نتایج خوب را تضمین نمی کند ، شکل و روند فرایندهای همکاری به ویژه در اینجا بسیار مهم است.

* جایگاه مکاتب فلسفی در برنامه ریزی منطقه ای

۶- دیدگاه فمینیستی و اکوفمینیستی

برنامه ریزی فمینیسم یک نظریه و جنبش اجتماعی در مورد تأثیر محیط ساخته شده بر زنان است. هدف این تئوری این است که درک کند زن بودن در یک فضا به چه معناست و زنان در این محیط ها با چه تهدیدها و فرصت هایی روبرو می شوند.

"اکوفمینیسم جنبشی است که ارتباطی بین استثمار و تخریب دنیای طبیعی و تبعیت و ستم بر زنان می بیند. این جنبش در اواسط دهه ۱۹۷۰ در کنار فمینیسم موج دوم و جنبش سبز ظهور کرد. اکوفمینیسم در واقع به بررسی ارتباطات بین زنان و طبیعت در فرهنگ ، اقتصاد ، دین ، سیاست ، ادبیات و شمایل نگاری می پردازد و به تشابهات بین ستم بر طبیعت و ستم بر زنان می پردازد. این موازات شامل دیدن زن و طبیعت به عنوان یک دارایی ، دیدن مردان به عنوان متصدی فرهنگ و زنان به عنوان متصدی طبیعت و چگونگی تسلط مردان بر زنان و انسانها بر طبیعت هستند. اکوفمینیسم تأکید می کند که باید هم به زنان و هم به طبیعت احترام گذاشت. [۵]

* جایگاه مکاتب فلسفی در برنامه ریزی منطقه ای

۷- دیدگاه عدالت اجتماعی

اساس نظریه های عدالت اجتماعی بر این است، که نابرابریهای اقتصادی و اجتماعی جامعه، بر سازمان فضایی آن تأثیر دارد و نیز هر گونه تغییر در سازمان فضایی و روابط اقتصادی- اجتماعی و توزیع درآمد در جامعه اثر مستقیم دارد. در عصر حاضر اصلی ترین عامل بحرانیهای جوامع بشری، ریشه در نابرابریهای اجتماعی و فقدان عدالت دارد.

نظریه های عدالت اجتماعی

۱- اسلام و عدالت اجتماعی در فرهنگ اسلامی عدالت اجتماعی و تحقق آن برای جامعه بشری، از چنان ارزش و اعتباری برخوردار است، که خداوند متعال در آیات متعددی از جمله آیه ۲۵ سوره حدید، دلیل فرستادن پیامبر (ص) را، مطرح کردن و تحقق عدالت در همه زمینه های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی، بیان فرموده است. برابری اجتماعی، مشخصه اصلی و جلوه حیاتی "امت" به شمار می رود. در اسلام تعبیر عدالت اجتماعی، مفهومی مطلق است نه نسبی، این تعبیر به عنوان یک نظام اجتماعی از این حقیقت نشأت می گیرد که خداوند تمام انسانها را به گونه ای یکسان آفریده است که این حقیقت در کلام خداوند در آیه ۱۳ سوره حجرات آمده است).

۲- مارکسیسم و عدالت اجتماعی بنیان عدالت سوسیالیستی در قرن ۱۹ توسط هگل با معرفی دولت به عنوان منبع عدالت اجتماعی ارائه شد. بر مبنای چنین دیدگاهی، ماهیت عدالت اجتماعی توزیع عادلانه ثروت و داراییهای جامعه می باشد که چنین توزیعی براساس میزان نیازمندی افراد جامعه و تقسیم بر اساس میزان کار و تولید صورت می گیرد که بعدها با نظریه مارکس مبنی بر، از هر کس به اندازه توانش و به هر کس به میزان نیازش اشاعه پیدا کرد. مارکس ریشه تمام مسایل و مشکلات جامعه بشری و بی عدالتی را، زاده نظام طبقاتی - به ویژه نظام سرمایه داری - می داند.

۳- لیبرالیسم و عدالت اجتماعی لیبرالیسم مفهومی سیاسی است که علت وجودی دولت، حمایت از آزادی و دارایی شهروندان تحت حمایت دولت است که تا به امروز از مفاهیم بنیادی و اصولی لیبرالیسم است. در این دیدگاه عدالت اجتماعی را بر پایه دو اصل که آنها را زیربنای جامعه و نظام توزیع حوزه های گوناگون اجتماعی است مطرح می کند: اصل اول: اصل آزادی که حاکم بر آزادیهای پایه ای و اساسی است، با این مفهوم که همه افراد جامعه باید حقی برابر نسبت به آزادیهای اساسی (آزادی بیان، حق رأی)) داشته باشند. اصل دوم: اصل نابرابری که حاکم بر خواستههای اولیه اجتماعی- اقتصادی است. در تفهیم این اصل، بیشترین نفع را برای افراد محروم جامعه در پی داشته که نابرابریهای اقتصادی و اجتماعی، باید به گونه ای باشد که اولاً همه افراد جامعه در زمینه فرصتهای شغلی باید در شرایط برابر قرار گیرند. به این معنی که باید همه منابع در دسترس همه باشد. ثانياً درآمد، ثروت، آموزش، فرصتها شغلی باید در میان افراد جامعه توزیع شود.

۴- جغرافیای شهری و عدالت اجتماعی از دهه ۱۹۶۰ مفهوم و کارکرد عدالت اجتماعی، وارد ادبیات جغرافیایی شد و مسایلی نظیر رفاه اجتماعی، نابرابریهای شدید، فقر، بیکاری به سرعت مورد توجه جغرافیدانان قرار گرفت و جغرافیای رادیکال و لیبرال را بیش از سایر مکاتب دیگر تحت تاثیر قرار داد. از میان جغرافیدانان و جامعه شناسانی که به طور مشخص به موضوع فضا و ارتباط آن با ساختار اجتماعی پرداخته اند، دیوید هاروی جغرافیدان و امانوئل کاستلز جامعه شناس هستند که از دو دیدگاه مختلف به موضوع پرداخته اند. دیوید هاروی مفهوم عدالت اجتماعی را در کمک به منافع همگانی، مالک توزیع درآمدها در مکانها، تخصیص عادلانه منابع و رفع نیازهای اساسی مردم به کار برد. در واقع هاروی با طرح وابستگی میان نابرابریهای اجتماعی و ساختارهای فضای جغرافیایی، در تحلیل اصول عدالت اجتماعی سه معیار "نیاز"، "منفعت عمومی" و "استحقاق" را مطرح می کند و معتقد است، این سه معیار از جامعیت کاملی برخوردارند که در برگیرنده دیگر معیارها می باشند.

*** جایگاه مکاتب فلسفی در برنامه ریزی منطقه ای**

۸- دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا

* جایگاه مکاتب فلسفی در برنامه ریزی منطقه ای

۹- دیدگاه سرمایه داری

نظام سرمایه‌داری یا کاپیتالیسم یک سیستم اقتصادی است که در آن افراد یا مشاغل خصوصی مالک کالاهای سرمایه‌ای هستند.

در این نظام، تولید کالاها و خدمات مبتنی بر قانون عرضه و تقاضا در بازار عمومی (که تحت عنوان اقتصاد بازار شناخته می‌شود) انجام می‌گیرد و نه از طریق یک برنامه‌ریزی مرکزی (که تحت عنوان اقتصاد برنامه‌ریزی شده یا اقتصاد دستوری شناخته می‌شود).

خالص‌ترین نوع نظام سرمایه‌داری، بازار آزاد یا سرمایه‌داری آزاد (Laissez-faire Capitalism) است که در آن افراد از تمام قیود آزاد هستند. آنها می‌توانند خود تعیین کنند که کجا می‌خواهند سرمایه‌گذاری کنند، چه می‌خواهند تولید کنند یا بفروشند، و کالاها و خدمات را با چه قیمتی می‌خواهند مبادله کنند. بازار آزاد بدون چک کردن و کنترل کردن کار می‌کند.

امروزه، اکثر کشورها یک نظام سرمایه‌داری مختلط را اعمال می‌کنند که شامل برخی مقررات دولتی برای کسب و کار و همچنین مالکیت صنایع است.

درک سرمایه‌داری

از نظر عملکرد، سرمایه‌داری فرآیندی است که با آن احتمالاً بتوان مشکلات تولید اقتصادی و توزیع منابع را برطرف کرد.

به جای برنامه‌ریزی برای تصمیم‌گیری‌های اقتصادی از طریق روش‌های سیاسی متمرکز، مانند سوسیالیسم یا فئودالیسم، برنامه‌ریزی اقتصادی در نظام سرمایه‌داری از طریق تصمیم‌گیری‌های غیرمتمرکز و داوطلبانه صورت می‌گیرد.

* جایگاه مکاتب فلسفی در برنامه ریزی منطقه ای

۱۰- دیدگاه توزیع فضایی جمعیت

توزیع فضایی جمعیت به الگوی فضایی ناشی از پراکندگی جمعیت، شکل گیری تراکم، گسترش خطی و غیره اشاره دارد. تراکم جمعیت نسبت جمعیت به فضای فیزیکی است. این نسبت رابطه بین جمعیت و اندازه منطقه ای که در آن زندگی می کنند را نشان می دهد.

Factors Affecting Population Distribution The main factors determining population distribution are :

Climate

Landforms

Topography

Soil

Energy and mineral resources

Accessibility like distance from sea coast

Natural harbours

Navigable rivers or canals

Cultural factors

Political boundaries

Controls on migration and trade

Government policies

Types of economic activities

Technology including type of farming and transportation facilities

Social organization

Demographic factors like changes in natural increase and migration.

سنت گرای، مدرنیسم و پست مدرنیسم

سنت گرایی:

تقدیر گرایی دیرپا

مدرنیسم

خرد باوری و تلاش برای بخردانه کردن هر چیز شکستن و ویرانگری عادت های اجتماعی و باورهای سنتی همراه با پشت سر نهادن ارزش ها و حس ها و باورها و در یک کلام شیوه های مادی و فکری زندگی کهن.

پست مدرنیسم

نفی خردمداری مدرنیستی ، نفی واقع نمایی علوم نسبت اخلاقی و اجتماعی، رد رژیم های خود کامه، حقوق بشر، معیارهای زیبا شناختی، توجه به حواشی و جهان سوم، مخالفت باطل شدن خرده فرهنگ ها در فرهنگ مسلط و تأکید بر نهضت های سبز و خود محوری (توسعه درون زا) .

پست مدرنیسم

-بشر مایل است از طبیعت بهره برداری اصولی و پایدار به عمل آورد.

-نا امید از جستجوی حقیقت جهان را باید همچون متنی خواند که شاید معنایی داشته باشد و نه حقیقت.

-رواج و گسترش علوم عملی و فناوری و علوم نظری.

-عقلانیت توأم با احساس و تفکر اسطوره ای و آنکه همه چیز را نمی توان با ابزار پوزیتیویستی ارزیابی کرد.

-بیکرانی زمان و مکان و توجه به گذشته

-برنامه ریزی غیر متمرکز

-طرفدار نسبیت، شکاکیت و تاریخ گرایی

-نقد علم و یافته های علمی و عدم قطعیت علمی

-از میان رفتن مرز میان هنر و زندگی روزمره تا آشفتگی در سبک ، رواج هزل، تقلید و بازی و افول خلاقیت هنری

مدرنیسم

-بشر عزم غلبه بر طبیعت کرده است و بهره برداری بی رویه آن را مد نظر دارد

-انسان به دنبال تصرف در طبیعت و هستی است.

-گسترش علوم عملی و فن آوری

-جهان بینی بشر عقلانی و آنچه غیر عقلی است (پوزیتویسم منطقی) مردود است.

-بیکرانی زمان و مکان

-فاصله گرفتن از گذشته و بیرون آمدن از آن

-برنامه ریزی سنجیده و متمرکز

-نقد عقل و ایدئولوژی و شک درباره همه عقاید و باورها

-شک و تردید در مورد امور قطعی و عقلانی

-نگاه عملی

-اعتقاد به خطای نیازمند عقل دوران نقادی

-هنر دارای سبک و در خدمت اقتصاد

سنت گرایی

-بشر جزئی از طبیعت است و مقهور آن

-انسان در پی شناخت طبیعت و هستی از طریق بحث ماوراءالطبیعه است.

- رواج علوم نظری

-بینش و تفکر بشر اسطوره ای است.

-محدودیت زمان و مکان

-غوطه وری در زمان و مکان

-برنامه ریزی محدود

-معتقد به ایدئولوژی و یقین غفلت آلود

-داوری قطعی در باره هر چیز (درست و غلط)

-دوران باورهای قطعی و ماوراءالطبیعه

-اعتقاد به خطای اتفاقی عقل

-هنر هدفمند بر مبنای اعتقادات

نظریه های برنامه ریزی منطقه ای از نظر ابزاری

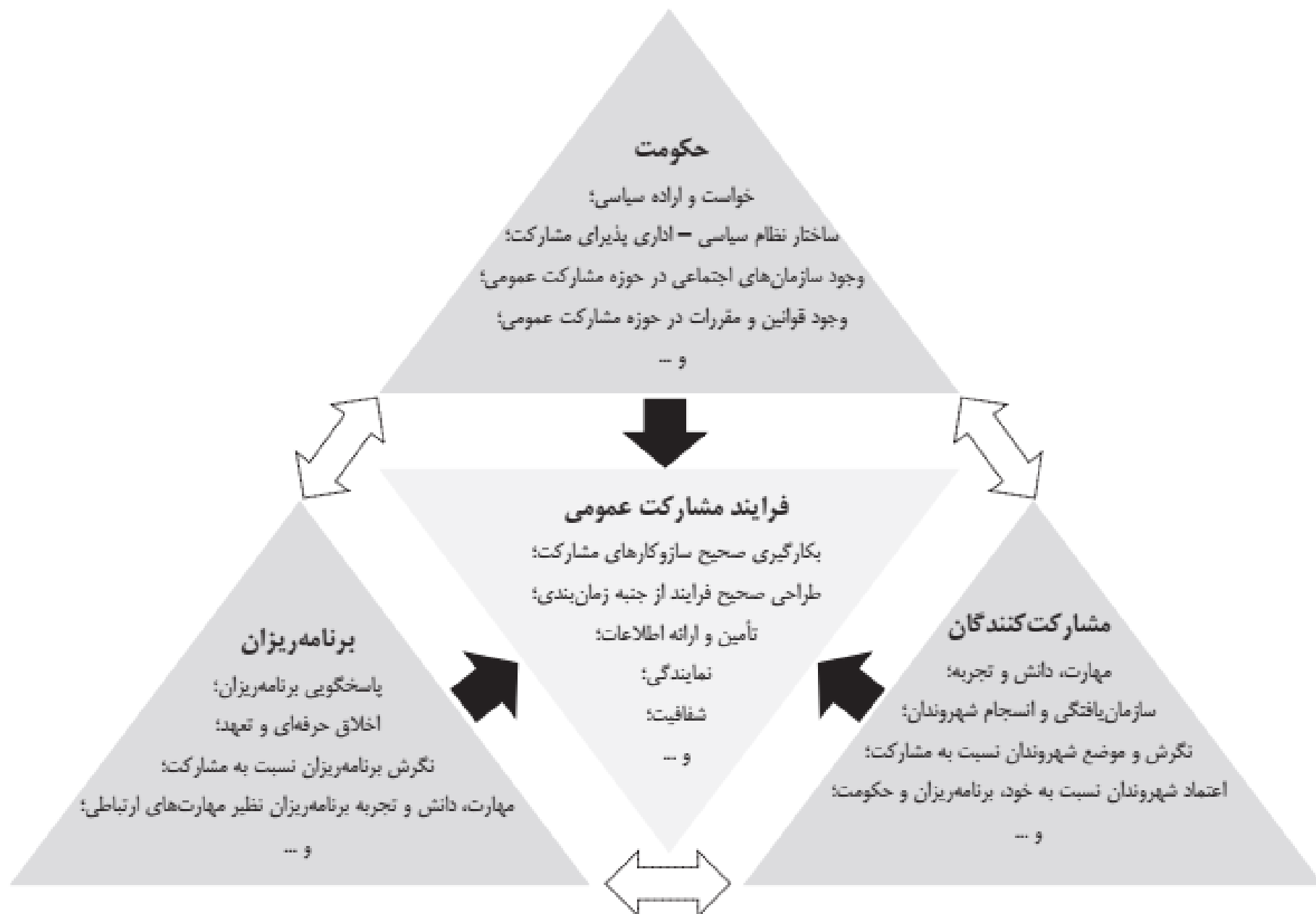
۱- نظریه های اقتصاد محور (Cost-Benefit Theory)

تحلیل هزینه-فایده یا تحلیل فایده-هزینه روشی نظام‌مند برای تخمین زدن نقاط قوت و ضعف آلترناتیوهای است که معاملات، فعالیت‌ها یا ملزومات کارکردی یک کسب و کار را برآورده می‌کنند. هر بار افراد بررسی کنند که آیا فواید انجام یک کار خاص، از مشکلات و دردهای آن بیشتر است یا خیر، تحلیل هزینه – فایده را اساس تصمیم‌گیری خود قرار داده‌اند. در عرصه عمومی، به کارگیری تحلیل رسمی هزینه فایده برای ارزیابی کامل فواید و هزینه‌های مرتبط با تغییرات سیاستی پیش‌رو گاهی مناقشه‌برانگیز است. به طور مشخص، تحلیل رسمی هزینه فایده تلاشی است جهت تعیین و بیان همه اثرات سیاست‌ها یا پروژه‌های دولتی در دست اقدام، بر حسب دلار. شایان ذکر است که تحلیل هزینه فایده نمی‌تواند تنها مبنای تصمیم‌گیری باشد، اما می‌توان از آن به عنوان ابزار کمکی ارزشمندی در سیاست‌گذاری‌ها استفاده کرد.

نظریه های برنامه ریزی منطقه ای از نظر ابزاری

۲- نظریه های مشارکت محور (Public Participation)

مشارکت عمومی در حکمرانی شامل دخالت مستقیم - یا غیرمستقیم از طریق نمایندگان - ذینفعان مربوطه در تصمیم‌گیری در مورد سیاست‌ها، طرح‌ها یا برنامه‌هایی است که در آنها ذینفع هستند. ذینفعان، افراد، گروه‌ها یا سازمان‌هایی هستند که ممکن است بر تصمیمات سیاسی تأثیر بگذارند یا از آنها تأثیر پذیرند (فریمن ۲۰۱۰) یا ادعایی در مورد توجه، منابع یا خروجی‌های یک سازمان یا نهاد دیگر داشته باشند (برایسون ۲۰۰۴). از طریق مشارکت عمومی، ذینفعان ممکن است با سازمان‌های دولتی، رهبران سیاسی، سازمان‌های غیرانتفاعی و سازمان‌های تجاری که سیاست‌ها و برنامه‌های عمومی را ایجاد یا اجرا می‌کنند، تعامل داشته باشند. این در حالی است که مشارکت ممکن است به اقدامات مجزا (مثلاً جلسه شهرداری یا نظرسنجی از شهروندان) محدود شود یا توسط مجموعه‌ای از شیوه‌ها (مثلاً تشکیل جلسات استماع عمومی یا سایر انواع فرآیندهای مشاوره) توصیف شود، مشارکت به طور کلی فرآیند مشارکت در حکمرانی است.



شکل ۳. متغیرهای زمینه‌ای و تأثیرهای بالقوه در ارتباط با تحقق مشارکت عمومی

نظریه های برنامه ریزی منطقه ای از نظر ابزاری

۳- نظریه های فن گرایی (تکنیک محور)

برنامه ریزی فن گرا به نوعی برنامه ریزی مدرنیستی اطلاق می شود که اساساً از بالا به پایین، اقتداری و غیرمشارکتی است و در آن، برنامه ریز به عنوان فردی حرفه ای و همه چیزدان هر گونه اقدامی را در مقیاس وسیع توصیه و تجویز و به جای آن فضاها را همانند و یکسان را برنامه ریزی و طراحی می کند. حس لامکانی به احساس عدم تعلق به مکان که ناشی از فقدان تنوع است اشاره دارد.

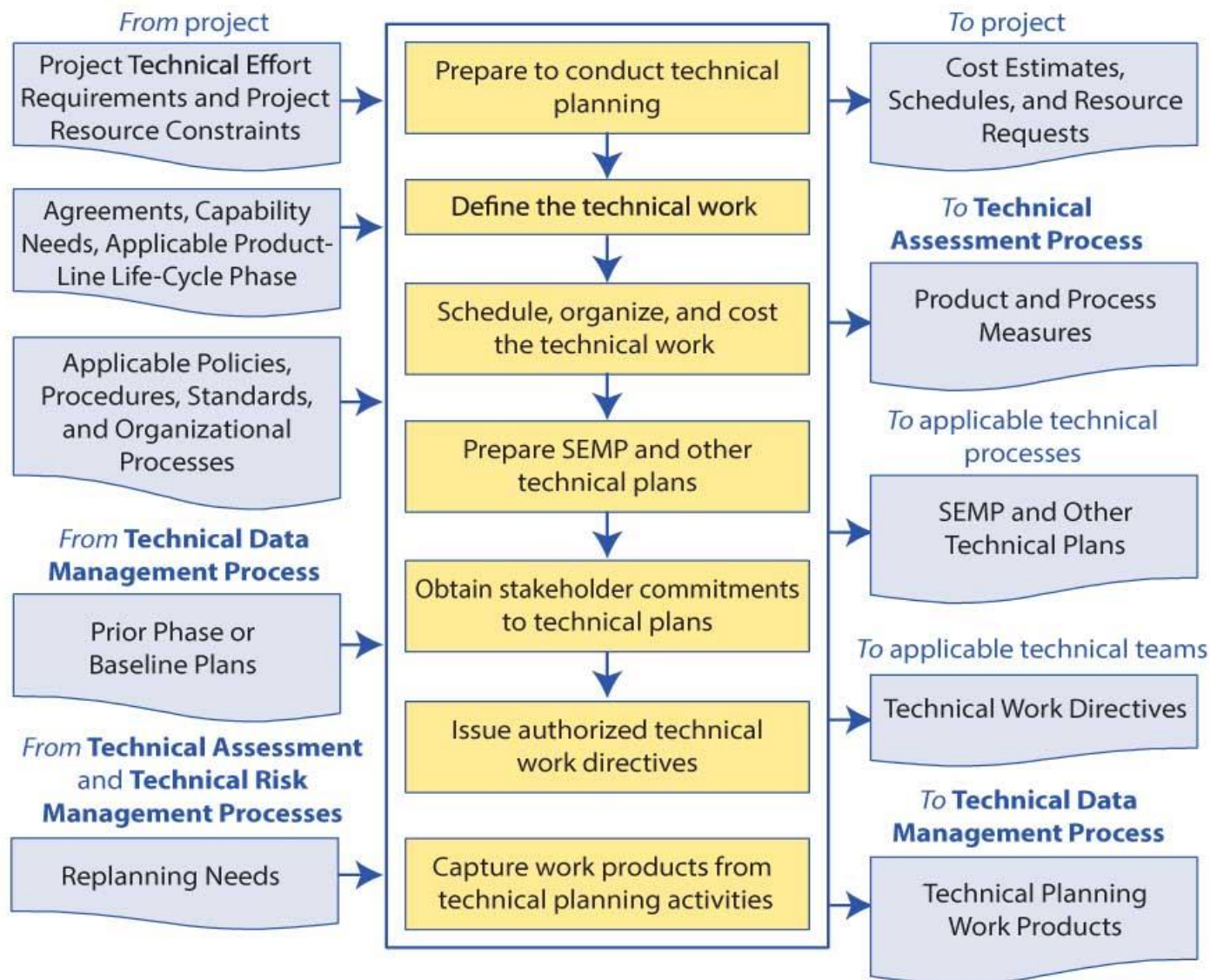
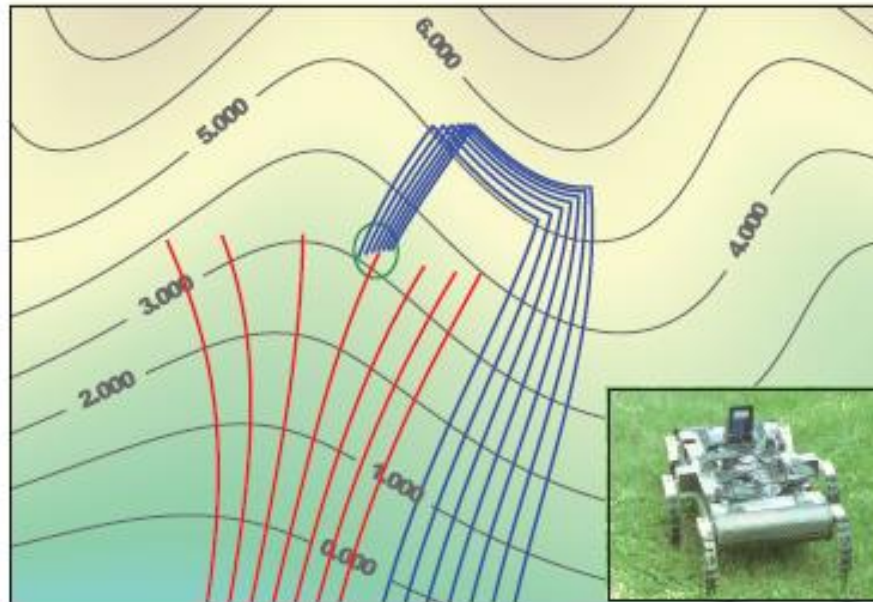


FIGURE 6.1-1 Technical Planning Process

نظریه های برنامه ریزی منطقه ای از نظر ابزاری

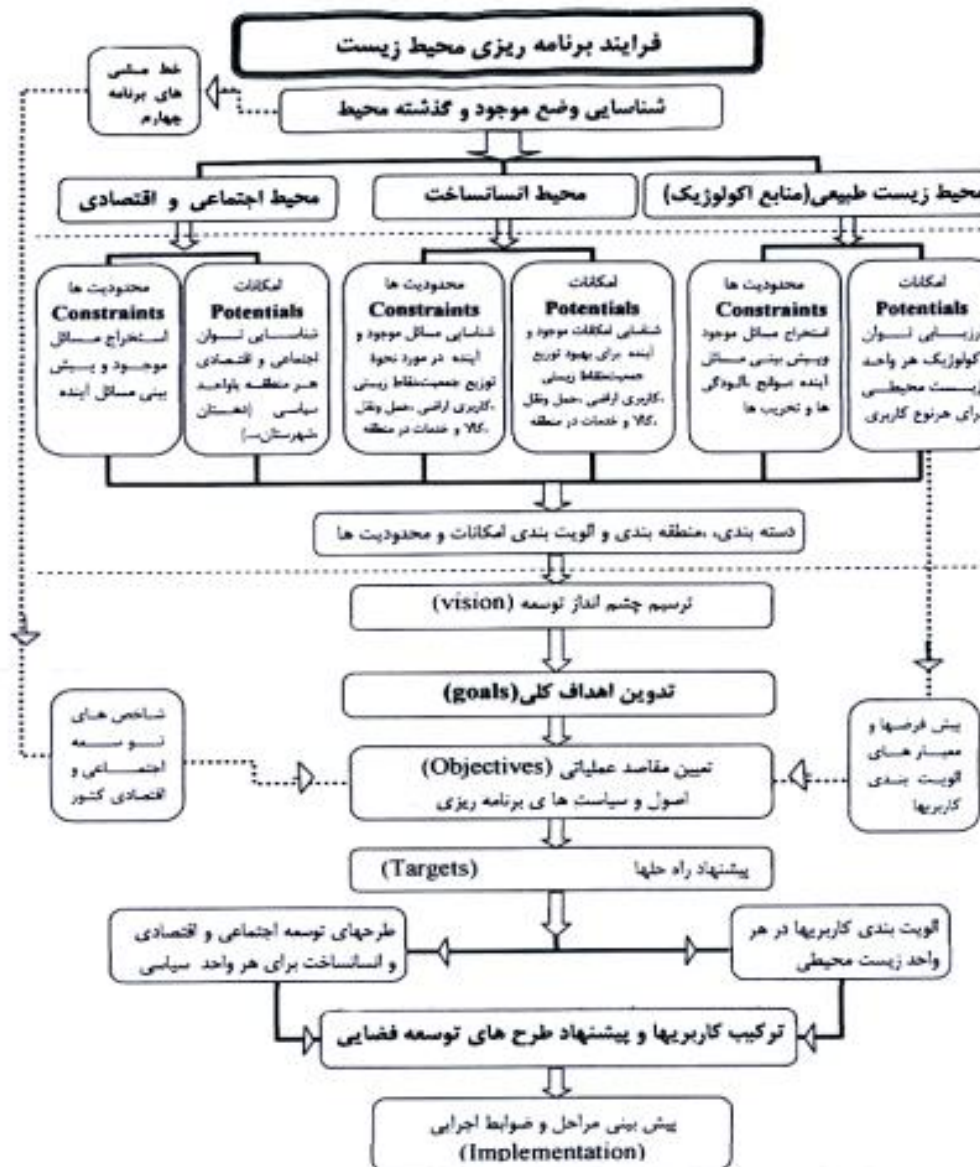
۴- نظریه های همگرایی و واگرایی

یک ربات متحرک، مانند شکل ۱، را در نظر بگیرید که وظیفه دارد با استفاده از حسگرهای شیب محلی، از یک سربالایی برای رسیدن به یک پیکربندی هدف عبور کند. خطوط رنگ قرمز، طی یک مسیر ساده متشکل توسط ربات در سربالایی به سمت حلقه بسته را می بینیم که از چندین مبدأ اجرا می شود. در حالی که ربات حلقه را در زاویه درست سمت نسبت به تپه بسته است، در چارچوب کلی پایدار نیست. اختلالات کوچک در شرایط اولیه منجر به اختلالات بزرگتر در شرایط نهایی می شود. در مقابل، مسیرهای آبی (که پیچیده تر هستند اما همچنان از یک طرح کنترل بازخورد جهت شیب پیروی می کنند) به طور طبیعی در طول مسیر همگرا می شوند و هرگونه اختلال حالت را کاهش می دهند. هدف از این کار، تعیین کمیت تفاوت بین این مسیرها و استفاده از یک برنامه ریز حرکت برای تولید راه حل هایی مانند مسیرهای رنگ آبی است.



نظریه های برنامه ریزی منطقه ای از نظر ابزاری

۵- نظریه های زیست محیطی



نظریه های برنامه ریزی منطقه ای از نظر ابزاری

۶- نظریه های توسعه منطقه ای

در جهان امروز، نابرابری های منطقه ای پدیده ای فراگیر و رو به گسترش است. بدین خاطر توجه به برنامه ریزی فضایی به منظور کاهش نابرابری ها و عدم تعادل منطقه ای مورد توجه فراوان قرار گرفته است. این نوع برنامه ریزی منطقه ای، نوعی از آینده نگاری است که با تمرکز بر محدوده سرزمینی خاص، در یک قلمرو جغرافیایی زیرملی با هدف اتخاذ تصمیمات معین جهت تحقق آینده مطلوب عملیاتی می گردد. بر این اساس پیاده سازی این رویکرد در چارچوب مفهوم توسعه منطقه ای می تواند کمک قابل توجهی در بروز رسانی ادبیات توسعه در کشور داشته باشد. در برنامه ریزی فضایی، میزان توسعه مناطق توسعه نیافته برای دستیابی به توسعه متعادل و برابر ارزیابی می شود. بنابراین شناخت هر یک از امکانات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره به عنوان اولین گام در برنامه ریزی توسعه فضایی، می تواند به بهبود خدمات رسانی و افزایش تعادل و برابری بین مناطق کمک نماید.

جنبه های مختلف برنامه ریزی منطقه ای

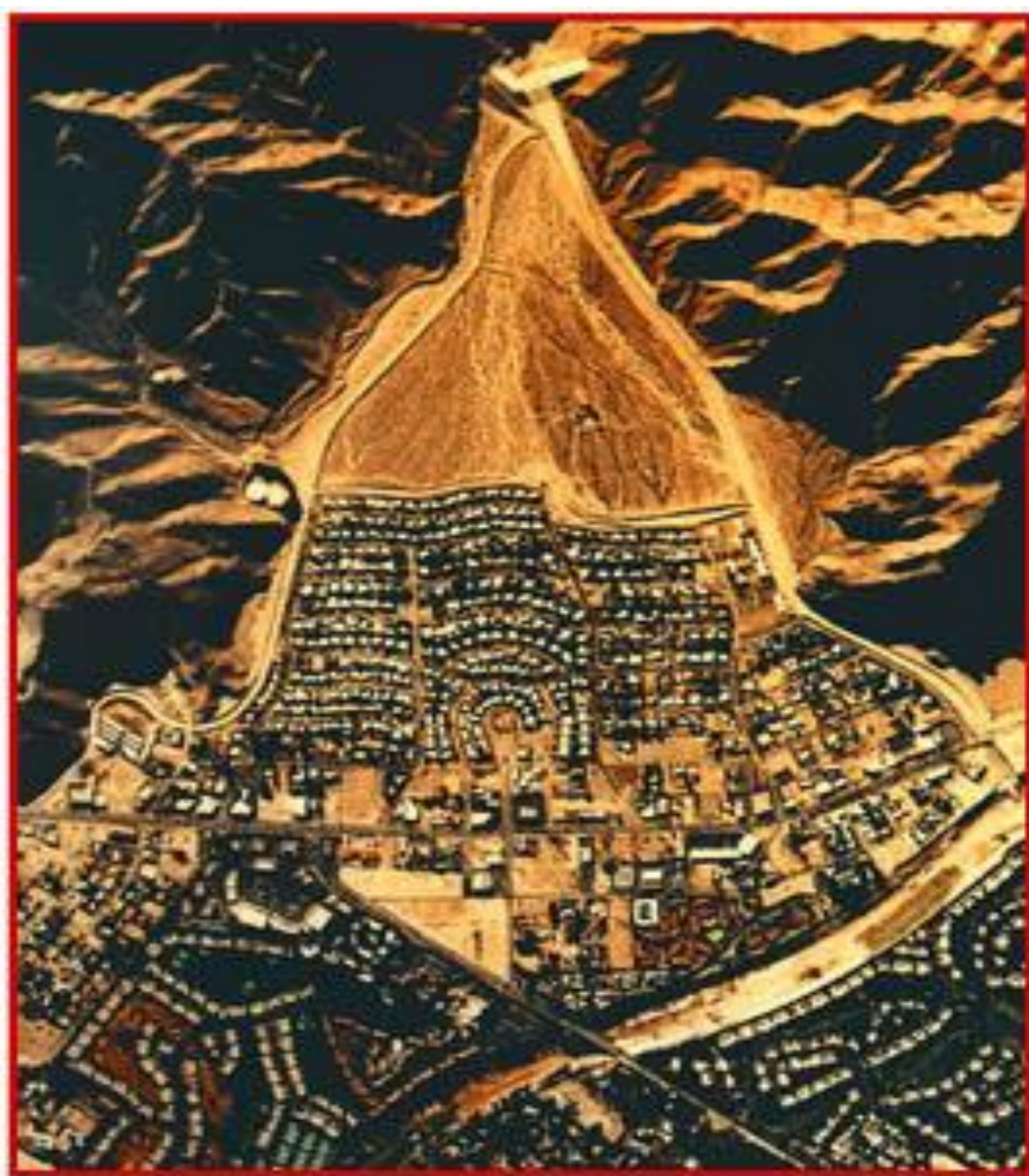
۱- توسعه پایدار

۲- جهانی سازی

۳- سامان دهی فضا

۴- مدلسازی





غیر فعال

محیط ژئومورفولوژیکی

فعال

فعال

انسان

غیر فعال

منابع

ژئومورفولوژیکی

فعالیت انسان

آسیب پذیری
ناحہ

خطرات

ژئومورفولوژیکی

اثر گذاری (Impact)

خطر (Risk)

